

بازخوانی طرحی ناتمام که چند دهه از مطرح شدنش می گذرد

# خوب و بد حذف صفر از پول ملی

گزارش

محمد رضوانی

روزنامه نگار

**حذف چهار صفر از پول ملی و اثرات مثبت و منفی آن طی روزهای گذشته بار دیگر مورد توجه گسترده قرار گرفته و بحث درباره آن داغ شده است. هرچند در شرایط اقتصادی فعلی به نظر می‌رسد همچنان اقتصاد کشور با اولویت‌هایی به مراتب مهم‌تر مواجه باشد.**

شاید بار اولی که بحث حذف صفر از پول ملی مطرح شد به دهه ۷۰ شمسی بازگردد. بعدها در دولت‌های هشتم و نهم ماجرای حذف سه صفر به‌طور جدی عنوان شد. در دولت‌های بعدی از جمله در دولت دوازدهم نیز بر این روند تأکید شد اما در نهایت همچنان اجرای این طرح تا آینده‌ای نامعلوم به تعویق افتاد. حال اگرچه معاون پارلمانی رئیس‌جمهور تکذیب کرده، با وجود این چند روزی است بار دیگر این بحث در رسانه‌ها مطرح شده که دولت چهاردهم با ارسال این لایحه به مجلس به نوعی اجرای آن را امری غیرقابل اجتناب دانسته است. اما چرا در سالیان گذشته به‌طور مکرر و از سوی دولت‌های مختلف بر اجرای این طرح تأکید شده و در نهایت این روند چه تأثیری بر اقتصاد کشور خواهد داشت؟

موافقت اکثریتی یا تقریباً تمام دولت‌ها با بحث حذف صفر، ریشه در تورم افسارگسیخته و کاهش ارزش پول ملی دارد. به عبارت دیگر تورم انباشته طی دهه‌های اخیر منجر به کاهش قدرت خرید مردم با واحد پول کشور شده است. از سوی دیگر در چنین شرایطی برای تأمین نیازهای مردم چاپ اسکناس‌هایی با ارقام بالاتر لازم است و وقتی این اتفاق رخ نمی‌دهد برای مبادلات مالی باید حجم بالایی از اسکناس رد و بدل شود. البته این موارد تنها دلایل حذف صفر نیستند، برخی از استدلال‌های دیگری که برای اجرای این طرح وجود دارد عبارتند از: جلوگیری از استفاده از ارقام بزرگ در مبادلات ساده و روزمره، مشکلات محاسباتی و حسابداری دفاتر، ناامنی حمل و نقل مقادیر زیاد پول، معطلی در صف بانک‌ها و مشکلات شمارش حجم بالای اسکناس، اجبار در استفاده از ایران‌چک با توجه به مشکلات حقوقی ناظر بر آن، هزینه بالای چاپ و امحای اسکناس و بالا رفتن میزان استهلاک اسکناس.

**۷۰ کشور تجربه حذف صفر را داشته‌اند**

در این زمینه طی ۶۰ سال گذشته حداقل ۷۰ کشور تجربه اجرای این سیاست را داشته‌اند که بخواهند

گزارش

**حذف صفر از واحد پولی یک کشور به اصطلاح «بازتعریف پول»، تدبیری است که توسط برخی کشورها، غالباً بر اثر تورم انجام می‌گیرد. تاریخ نمونه‌های زیادی از حذف صفر را به خود دیده که اغلب آن‌ها در دوره پس از جنگ یا در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته رخ داده است.**

بازتعریف پول یک ابزار کمکی محسوب می‌شود که با کاهش عرضه پول همراه است. این رویکرد گرچه به نیت کاهش اثرات ابرتورم به کار گرفته می‌شود اما به‌خودی خود، بیشتر یک تهدید است، چرا که مردم دارایی‌های سنگین یا ارزهای خارجی را خریداری می‌کنند، در نتیجه تورم تشدید می‌شود. پس از بازتعریف پول، ممکن است نام جدیدی برای واحد پولی انتخاب شود یا به انتهای نام قبلی لفظی جدید اضافه شود. تاکنون چندین کشور برای حذف حداقل سه صفر از پول ملی خود اقدام کرده‌اند. این کار بارها در کشورهایی مانند بلغارستان، آرژانتین، رومانی، ترکیه و برزیل اتفاق افتاده است. با این حال، مشاهده می‌شود که حذف صفرها از پول ملی تنها در صورتی می‌تواند مؤثر باشد که در دوره مشابه، سیاست‌های کاهش تورم به‌طور هم‌زمان انجام شود. البته می‌توان از اثرات مثبت و ابعاد روانی آن برای ایجاد ارزش و کنترل تورم استفاده کرد. از اثرات مثبت این روش می‌توان در مدیریت نقدینگی و سیاست ضدتورمی استفاده کرد. در ادامه موارد ملموسی درباره کشورهایی که تحت تغییر ارزش پول قرار گرفته‌اند به همراه تأثیرات آن‌ها آورده شده است.

**حذف ۱۰ صفر از پول ملی در زیمبابوه**

زیمبابوه در اواخر دهه ۲۰۰۰ تورم شدیدی را تجربه کرد که منجر به چاپ اسکناس‌های نجومی مانند اسکناس‌های تریلیون دلاری شد. سرانجام این کشور در سال ۲۰۰۸ واحد پول خود را بازتعریف کرد و ۱۰ صفر را از آن حذف کرد. این تغییر، انجام معاملات را در این کشور ساده کرد اما به

با حذف صفر از پول ملی خود، سیاست‌های توسعه اقتصادی را دنبال کنند. این کشورها که عمدتاً کشورهای در حال توسعه بودند، بر اساس شرایط خود حذف تعداد متفاوتی از صفر را تجربه کردند. به‌طور مثال، کشوری مثل زیمبابوه که تورم آن مثال‌زدنی شده بود حذف ۱۰ صفر را در دستور کار قرار داد، ترکیه و افغانستان هم از جمله کشورهای همسایه‌ای هستند که در دهه‌های گذشته حذف صفر از پول ملی را تجربه کرده‌اند. این رویکرد اگرچه می‌تواند اعتماد عمومی را نسبت به واحد پول ملی و اعتبار آن بیشتر کند و به نوعی بار روانی مثبت روی جامعه داشته باشد اما قطعاً به تنهایی نمی‌تواند عاملی برای کاهش یا کنترل تورم باشد. به‌عبارت دیگر، لازم است این تصمیم به همراه اصلاحات اقتصادی دیگر باشد. شاهد این ادعا نیز آنکه مروری بر کشورهای تجربه‌کننده این سیاست گویای آن است که در موارد متعدد بوده‌اند کشورهایی که مجبور شده‌اند این روند را دو بار انجام دهند.

از نظر تعداد صفرهای حذف شده نیز آمارها در کشورهای مختلف متفاوت است اما تجربه حذف سه صفر رواج بیشتری در میان کشورها داشته و گاه نیز کشورهایی بوده‌اند که بین یک تا ۱۰ صفر را حذف کرده‌اند. همچنین آرژانتین چهار بار، یوگوسلاوی سابق دو بار و برزیل نیز شش بار صفرهای پول ملی خود را حذف کرده‌اند. بی‌شک اگر این تغییر به تنهایی منجر به کنترل یا کاهش تورم می‌شد نیازی به تکرار چندین‌باره آن در کشورهای مذکور نبود.

**بازتعریف پول با کشورهای مختلف چه کرد؟**

## حذف صفر؛ سیاستی پر تکرار در دنیا

کرد و با حذف پنج صفر، واحد پولی جدید سورانو بولیوار (Bolivar Soberano) یا ساورین بولیوار (Sovereign Bolivar) را ایجاد کرد. این بازتعریف به‌رفع مشکلات اساسی اقتصاد ونزوئلا کمکی نکرد و تورم فوق‌العاده در این کشور ادامه یافت. ارزش این پول جدید به سرعت کاهش یافت و باعث آشفتنگی بیشتر اقتصادی شد.

**تجربه ترکیه از حذف شش صفر**

ترکیه نیز در مقطعی با تورم مزمن مواجه شد و واحد پول آن (لیر) به سرعت ارزش خود را از دست داد. ترکیه در سال ۲۰۰۵ با کاهش شش صفر از واحد پول خود، آن را بازتعریف کرد و یک میلیون لیر ترکیه به یک لیر جدید ترکیه تبدیل شد. این تغییر موجب افزایش اعتماد به این ارز شد، زیرا در درس مواجهه با اعداد زیاد در معاملات روزمره را از بین برد. با این حال، فشارهای تورمی همچنان بر لیر جدید ترکیه تأثیر می‌گذارد و منجر به کاهش بیشتر ارزش آن می‌شود.

**کاهش تورم آرژانتین با حذف چهار صفر**

رکود اقتصادی در آرژانتین به‌طور قابل توجهی ارزش پول آن را کاهش داد و در سال ۱۹۹۲ بحران افزایش قیمت دلار را به همراه داشت. بنابراین دولت آرژانتین به منظور کنترل تورم به شدت در حال افزایش اقدام به حذف چند صفر از ارز خود کرد. در سال ۱۹۶۰، زمانی که آرژانتین دو صفر از پول ملی خود را حذف کرد، ارزش پزو در مقابل ارزش دلار ثابت شد. در طول دهه ۱۹۸۰ هر ۱۸ هزار پزو با یک دلار مبادله می‌شد. به این ترتیب در سال ۱۹۸۳ دولت آرژانتین تصمیم گرفت مجدداً چهار صفر را از پول ملی خود حذف کند اما ناکام ماند. سرانجام در دهه ۱۹۹۰ با حذف چهار صفر از پول خود، به هدف مورد نظر رسید و نرخ تورم چشمگیر خود را کاهش داد.

**تجربه نه چندان خوشایند ونزوئلا**

ونزوئلا با یکی از بدترین تورم‌های تاریخ مواجه شد که منجر به پیدایش ارقام نجومی برای ارز آن موسوم به بولیوار (Bolívar) شد. این کشور در سال ۲۰۱۸ واحد پول خود را بازتعریف

## اقتصاد

نخواهد کرد. حذف چهار صفر فقط به میزان محدودی در محاسبات حسابداری تسهیل ایجاد می‌کند و تأثیر دیگری ندارد.»

او می‌گوید: «در حال حاضر، مشکلات جدی در محاسبات حسابداری وجود ندارد و این موضوع در اولویت‌های پایین‌تری قرار دارد. کشور با ناترازی‌های مختلفی مانند ناترازی بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، فساد گسترده و ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی مواجه است. همچنین، دولت هنوز توانسته مسئله فیلترینگ را حل کند که تأثیر زیادی بر اقتصاد دارد و از موضوع حذف چهار صفر نیز مهم‌تر است. علاوه بر این، دولت در خصوص FATF نیز تصمیم قطعی نگرفته که اهمیت آن بسیار بیشتر است.»

مرکز پژوهش‌های مجلس در نقد لایحه دولت می‌نویسد که عامل اصلی مشاهده صفرهای متعدد بر اسکناس و مسکوکات کشور، تورمی است که به مدت ۵۰ سال گریبان‌گیر اقتصاد ایران است. افزایش مزمن سطح عمومی قیمت‌ها و پدیده تورم به دلیل رشد نقدینگی رقم می‌خورد که این رشد نقدینگی نیز معلول ناترازی‌های اقتصاد کشور در حوزه بانکی و بودجه‌ای است و تا زمانی که اصلاحات اساسی در نظام بانکی و بودجه‌ای کشور اتفاق نیفتد و این موتورهای تولید ناترازی خاموش نشود، همواره باید منتظر تورم و از راه رسیدن صفرهای جدید در کنار اعداد و ارقام پول ملی بود.

از سوی دیگر برخی کارشناسان تأکید دارند در صورت تصویب این طرح، بانک مرکزی در دوره دوساله گذار، می‌بایست اسکناس‌های قدیمی را جمع‌آوری و اقدام به چاپ اسکناس‌های جدید کند؛ موضوعی که می‌تواند هزینه هنگفتی را بر دست دولت و بانک مرکزی بگذارد.

در نهایت برای اجرای موفقیت‌آمیز حذف صفر از پول ملی نیاز است دولت قبل از اجرای این سیاست ابتدا تورم را کنترل کرده و وضعیت اقتصاد را از حالت بی‌ثبات فعلی خارج کند. همچنین نیاز است دولت و بانک مرکزی با انجام اقدامات لازم نقدینگی را کنترل کرده و نظام بانکی را اصلاح کرده و به‌عبارتی دیگر اصلاحات اقتصادی لازم را انجام دهند.

قابل توجه است که ایران اکنون با مشکلاتی مانند تورم بالا، نقدینگی زیاد و بی‌ثباتی اقتصادی مواجه است. این مشکلات می‌توانند اثرات مثبت حذف صفر را محدود کرده یا حتی خنثی کنند. بنابراین نیاز است قبل از انجام این سیاست ابتدا شرایط لازم برای اثرگذاری آن فراهم شود.

**حذف صفر در سیرالتون و غنا**

اخیراً کشور سیرالتون نیز واحد پولی خود را در سال ۲۰۲۲ بازتعریف کرده و تاکنون این عمل بیش از آنکه به نفع این کشور باشد، به ضرر آن تمام شده است اما برای شرح تأثیرات کلی آن باید بیشتر منتظر ماند. غنا نیز با واحد پول موسوم به سدی (Cedi) از تورم بالا و عدم اعتماد رنج می‌برد. دولت این کشور در سال ۲۰۰۷ با حذف چهار صفر، واحد پول خود را بازتعریف کرد. این تغییر به تسهیل معاملات و القای اعتماد به این ارز کمک کرد و پس از آن غنا به اصلاحات اقتصادی برای حفظ ثبات و جلوگیری از کاهش ارزش بیشتر پول خود ادامه داد. بدین ترتیب تاکنون ده‌ها کشور حداقل یک بار از بازتعریف پول استفاده کرده‌اند و در ۱۰ کشور این اتفاق دوبار رخ داده است. در برخی کشورها نیز این راهکار بیش از دو بار مورد استفاده قرار گرفته است. به‌عنوان مثال برزیل تاکنون شش بار، یوگسلاوی سابق پنج بار، آرژانتین چهار بار و بلژیک، روسیه، اوکراین و لهستان سه بار دست به حذف صفر و بازتعریف پول زده‌اند. به‌طور کلی از این مثال‌ها می‌توان برداشت کرد که بازتعریف پول می‌تواند معاملات را آسان‌تر کند و به‌طور موقت اعتماد به پول یک کشور را افزایش دهد اما راه‌حلی برای مشکلات اساسی اقتصادی مانند تورم و ابرتورم نیست.

تلاش‌ها برای تثبیت اقتصاد و تغییرات اقتصادی بزرگ‌تر، اغلب همراه با بازتعریف‌های موفق انجام می‌شوند. به این معنی که در بسیاری موارد، کشورها نهایتاً به جای بازتعریف ارزهای خود به ارزهای خارجی باثبات‌تر روی می‌آورند. برخی ابزارهای سیاستی پیشنهادی که می‌توانند همراه با بازتعریف پول برای بهبود زندگی شهروندان مورد استفاده قرار گیرند، وجود دارند. به عنوان مثال پیشنهاد می‌شود که فرایند بازتعریف پول باید با دقت برنامه‌ریزی شود تا اختلالات به حداقل برسد و انتقال و گذاری آرام برای مشاغل و افراد تضمین شود. بازتعریف پول اگرچه ابزاری مفید برای ساده‌سازی معاملات و بازگرداندن اعتماد به یک ارز است اما راه‌حلی مستقل برای رفع مشکلات عمیق اقتصادی نیست. برای ایجاد اثرات مثبت قابل توجه بر اقتصاد، باید تلاش‌های متعددی در کنار بازتعریف پول صورت گیرد.



atiyeno.ir

یادداشت

یاشار تاروردی

استاد دانشگاه

### تورم فزاینده و اثرات آن در بخش تولید و خدمات

در چند سال اخیر تورم فزاینده به حقیقتی پنهان‌ناپذیر در اقتصاد ایران تبدیل شده که گریبان‌گیر زندگی روزمره مردم است. عوامل متعددی را می‌توان به‌عنوان دلایل تورم نام برد که بررسی آن‌ها مستلزم نگاهی عمیق به رابطه اجزای مختلف اقتصاد کشور است. تصویر موجود از تورم فزاینده می‌تواند بهانه‌ای باشد برای نگاهی دوباره به راهبردهای اقتصادی و کنترل تورم در راستای چشم‌انداز سالانه. تورم سالانه دورقمی در ایران موضوع جدیدی نیست. حتی وقتی تورم در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ تک‌رقمی بود، دوام نداشت و در سال بعد به بالای ۳۰ درصد جهش کرد. بهتر است برای ساخت تصویر مناسب‌تری از تورم، تورم کالاها را از تورم خدمات جدا کرد. این دو در سال‌های اخیر روند متفاوتی را طی کرده‌اند. تورم کالاها به ۴۶ درصد در سال ۱۳۹۷ و پس از آن به ترتیب به ۵۱٫۸ درصد و ۵۵٫۸ درصد در ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ رسید. برخی تورم کالاها در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ را ناشی از شرایط جهانی پس از همه‌گیری کرونا دانسته و معتقدند که شرایط جهانی از جمله محدودیت‌های زنجیره تأمین کالاها در جهان، افزایش قیمت گندم و سایر غلات و در نهایت افزایش قیمت نفت و سوخت باعث جهش قابل توجه قیمت کالاها در ایران شده است.

این نگاه، اگرچه می‌تواند به‌نسبت تحلیل درستی برای یکی از کشورهای توسعه‌یافته با تجارت باز باشد اما به نظر می‌رسد برای ایران کاربردی نیست. اگرچه نمی‌توان تورم وارداتی ناشی از افزایش چشمگیر قیمت گندم و دیگر غلات پس از همه‌گیری کرونا را در جهت افزایش تورم در سال ۱۳۹۹ بدون اثر دانست، اما افزایش قیمت نفت به دلیل شرایط ژئوپلیتیک در شمال اروپا و افزایش قیمت جهانی گاز مایع به دلیل ترس از سرمای زمستان در اروپا باید برای کشوری مانند ایران که صادرکننده هر دو است موقعیتی بی نظیر تلقی می‌شد که بتواند، حتی از طریق تبادل کالا به کالا، تورم کالا را در کشور کنترل کند که با توجه جهش قیمت کالاها در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ می‌توان آن را فرصتی از دست رفته دانست.

به عبارت دیگر آنچه برای سایر کشورهای جهان یکی از دلایل اصلی تورم کالاها در سال‌های اخیر بوده است، می‌توانست برای ایران موقعیتی مناسب باشد که نهایتاً تورم را کنترل کند، بلکه با استفاده از افزایش درآمدها به چرخه اقتصاد کشور کمک کند. اگر به روند اخیر تورم کالاها نگاهی کنیم به نظر می‌رسد تورم کالاها به این زودی آرام نخواهد شد.

تورم قیمت خدمات اما داستان دیگری است؛ داستان و کلافی پیچیده‌تر. می‌توان دید که دستمزد کارگاه‌ها و شرکت‌های بخش خصوصی عملاً -اگرچه با تأخیر نزدیک به یک سال- با روند تورم هم‌راستا هستند و هرگاه تورم بالا رفته، با اندکی تأخیر دستمزد‌ها نیز افزایش داشته است. این ارتباط به‌خودی خود بد نیست اما هم‌راستایی قوی این دو متغیر نکته‌ای است که شاید چالش اصلی تورم در چند سال آینده باشد. به این نحو که با افزایش قیمت‌ها، دستمزد‌ها نیز افزایش می‌یابد. افزایش دستمزد‌ها نیز، سبب افزایش بیشتر قیمت خدمات می‌شود. تورم قیمت خدمات به علاوه تورم قیمت کالاها بار دیگر دستمزد‌ها را افزایش می‌دهد و این چرخه ادامه می‌یابد.

تنها راه شکست این چرخه، کاهش قیمت کالاهاست (اگرچه می‌توان کنترل دستوری افزایش دستمزد‌ها را راه‌حل دیگری دید که باعث کاهش بیش از پیش قدرت خرید مردم خواهد شد). براساس آنچه از آخرین داده‌های بانک مرکزی قابل مشاهده است، نه‌تنها قیمت کالاها کاهش نیافته، بلکه افزایش قیمت‌ها سرعت یافته است، به طوری که تورم سالانه کالاها در پایان بهمن ماه سال ۱۴۰۱ به ۵۹ درصد رسیده است. در پایان طبق آنچه به نظر می‌رسد، در چند سال آینده تورم فزاینده همچنان گریبان‌گیر اقتصاد کشور خواهد بود که حل آن مستلزم ترکیبی از سیاست‌های پولی و مالی و کنترلی است.

